

سیره نبوی در حجاب و عفاف



محمد تقی صرفی پور



بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

یکی از ویژگی های پیامبر خدا و اهل بیت علیهم السلام اهمیت دادن به حجاب و عفاف بوده است. بطوری که حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها، مظهر عفاف و حیا بوده اند. چادر جزو لباسهای ضروری ایشان بوده است و دخترشان زینب کبری (س) همچون مادرشان به عفاف و حجاب خیلی اهمیت می دادند بطوری که وقتی ایشان را اسیر نزد یزید پلید می برند اولین حرف ایشان این بوده که ای یزید! ایا از عدالت است که زنان تو حجاب داشته باشند اما دختران پیامبر حجابشان غارت شود؟ و اینها همه از تربیت پیامبر خدا بوده است که درس عفت و حیا به فرزندانسان اموختند.

دراین کتاب به سیره نبوی درمورد حجاب و عفاف اشاره شده است.

امید است مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

زمستان 1401. کرمانشاه

حجاب و عفاف

در روایت ها آمده است که مردی نابینا پس از اجازه گرفتن، وارد منزل امام علی (ع) شد. پیامبر (ص) مشاهده کردند که حضرت زهرا (س) برخاست، فرمودند: «دخترم! این مرد نابیناست.» قالت فاطمه (س): إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَنْتِ أَرَاهُ وَهُوَ يَشُمُّ الرِّيحَ؛ پدر، اگر او مرا نمی بیند، من او را می نگرم! اگر چه او نمی بیند؛ اما بو را استشمام می کند! 7

رسول خدا پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: «شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی.» 8

داستان شأن نزول آیه حجاب

در کتاب «کافی» به نقل از امام باقر (علیه السلام) آمده است: روزی جوانی از انصار، در یکی از کوچه های مدینه می گذشت که با زن جوانی روبه رو شد که مقنعه خود را پشت گوش ها قرار داده و گردن، گوش ها و قرص صورت او به طور کامل آشکار بود. جوان چشم به زن جوان دوخت و چون از مقابل یکدیگر گذشتند، به دنبالش حرکت کرد، درحالی که از همه چیز غافل شده بود و به زن خیره خیره نگاه می کرد تا اینکه به کوچه ای وارد شد و از فرط غفلت، صورتش به استخوان یا شیشه ای که در دیوار بود، برخورد کرد و خون جاری شد. وقتی آن زن از جلوی چشمش دور شد و دیگر او را ندید، مرد دریافت که خون بسیاری بر سر و سینه اش ریخته است. با خود گفت به خدا سوگند، نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می روم و ماجرا را برای ایشان تعریف می کنم. وقتی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت و چشم حضرت به او افتاد، پرسید چه شده است؟ جوان ماجرای زن بدحجاب را برای ایشان نقل کرد. در این هنگام جبرئیل، فرشته وحی، بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شد و آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور را نازل کرد که هم مردان را از نگاه به نامحرم بازداشت و هم به زنان دستور داد، زیبایی های خود را بپوشانند.

در «تفسیر علی بن ابراهیم قمی» آمده است: زنان مسلمان، مانند مردان، در پنج وقت نماز به مسجد می‌رفتند و نمازهایشان را با پیامبر به جماعت می‌خواندند. هنگامی که آنها برای خواندن نماز صبح یا مغرب و عشا از خانه بیرون می‌رفتند، جوان‌های لایبالی و هرزه که در حال پرسه زدن در کوچه‌ها بودند، در مسیر مسجد می‌نشستند و برای زنان مزاحمت ایجاد می‌کردند. زنان از این ناامنی، به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شکایت کردند. در این هنگام آیه ۵۹ سوره احزاب نازل شد. در این آیه بر پوشش کامل زنان (استفاده از چادر بلند) به عنوان حفاظ در برابر آزار و اذیت افراد فرصت طلب، سفارش و تأکید شده است

در تاریخ و روایات آمده: حکم بن ابی العاص پدر مروان در عین آن که مسلمان شده بود، و به مدینه هجرت نموده بود، شخصی هوسباز و منحرف بود، روزی پیامبر(ص) در حجره یکی از همسرانش بود، او از درز در به داخل آن حجره نگاه کرد، پیامبر(ص) از این چشم چرانی او به قدری ناراحت شد که عصای سرکجی که نوک تیز داشت برداشت، و او را تعقیب کرد، او پابه فرار گذاشت و از دست پیامبر(ص) گریخت. پیامبر(ص) به او نرسید و فرمود: «اگر او را می‌گرفتم، چشمش را بیرون می‌آوردم.» سپس دستور داد او و فرزندش مروان را از مدینه به طائف تبعید نمودند. آنها در عصر پیامبر(ص) همچنان در تبعید به سر می‌بردند، بعد از رحلت پیامبر(ص) در عصر خلیفه اول و دوم نیز در تبعید بودند، تا این که آن‌ها در عصر خلافت عثمان به مدینه بازگشتند، و همین یکی از اعتراض‌های شدید مسلمانان به عثمان بود، که چرا اجازه بازگشت تبعید شدگان پیامبر(ص) به مدینه را داده است.

امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: من و پیامبر در یک روز ابری و بارانی در بقیع نشسته بودیم که زنی سوار بر الاغ از آن جا گذشت و دست الاغش در گودالی فرو رفت و زن به زمین افتاد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رویش را برگرداند. حاضران عرض کردند: ای رسول خدا، آن زن شلوار به پا دارد. پیامبر سه بار فرمود: خدایا، زنان شلوار پوش را بیامرزد. ای مردم، شلوار بپوشید که شلوار، پوشاترین جامه‌های شماست و زنان خود را در موقعی که بیرون می‌آیند با شلوار حفظ کنید. (تنبیه

رسول اکرم (ص) در حالی که به زنی که جامه‌های نازک و بدن‌نما پوشیده بود، برخورد و روی خویش را از وی برگرداند و فرمودند: همین که زن به حد بلوغ رسید، سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود، مگر از میچ دست به پایین و صورتش (الدرالمنثور ج 5)

حدیث ابن امّ مکتوم – که مطابق آن پیامبر اکرم به همسران خود دستور دادند در برابر مرد نابینا خود را پشت حائلی پوشیده دارند

ام سلمه، «همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌گوید: وقتی آیه حجاب (نور: ۳۱) نازل شد، «من و «میمونه»، همسر دیگر پیامبر، نزد ایشان بودیم. در این هنگام «ابن ام مکتوم» که نابینا بود اجازه خواست به منزل پیامبر وارد شود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ما فرمود: «در حجاب شوید و خود را از او پنهان کنید». گفتیم: «او نابیناست و ما را نمی‌بیند». ایشان [از این سخن ما ناراحت شدند و] فرمودند: «آیا شما هم نابینا هستید و او را

(محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۵۳۴).

پیامبر در جریان بیعت با زنان مکه از آنان پیمان گرفت که پاسدار پاکدامنی و عفاف باشند^(۱) و فرمودند: «لا یقعدن مع الرجال فی الخلا: زنان با مردان نامحرم نباید در خلوت بنشینند»^(۲)

به پیامبر خبر رسید که در مدینه دو نفر با نامهای «هبت» و «ماتع» که از افراد هرزه هستند نزد مردان نشسته، از اوصاف زنان و لباسهای آنان حرف می‌زنند و با سخنان شهوت انگیز هوسهای آلوده را تحریک کرده، به حریم عفاف تجاوز میکنند. پیامبر آنها را احضار کرد و از مدینه به محلی به نام «العوايا» تبعید نمود. آنها فقط روزهای جمعه برای خرید غذا و لوازم ضروری به مدینه می‌آمدند و سپس به تبعیدگاهشان بازمی‌گشتند^۳

رسول خدا(ص) از حضرت جبرئیل(ع) سوال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود: بله. (یکی از آنجاهایی که فرشتگان می‌خندند) زمانی است که زن بی‌حجابی و بدحجابی

¹ ممتحنه، 12.

² وسائل الشیعه، ج 14، ص 99.

³ بحار الانوار، ج 22، ص 88.

می‌میرد، و بستگان او را در قبر می‌گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می‌پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می‌خندند و می‌گویند: تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می‌کرد و به گناه می‌انداخت (پدر و برادر و شوهرش و... از خود غیرت نشان ندادند) و او را نپوشانند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می‌پوشانند

پیامبر فرموده‌اند: خدا مردانی را که شبیه زن می‌شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می‌دهند، نفرین کرده است.

رسول خدا (ص) فرمودند: یک گروهی که، هرگز داخل بهشت نمی‌شوند: زنی که خود را در لباس و حرکات و امور دیگر شبیه مرد سازد ...

در روایت است که برای پیامبر چند قواره پارچه آوردند پیامبر قواره ای را به یکی از یاران خود داد و به او فرمود که این را دو قسمت کن: قسمتی را برای خود جامه کن و قسمت دیگر آن را به همسرت بده تا برای خود روسری کند. بعد به وی فرمود: به همسرت بگو برای این پارچه آستری فراهم کند تا بدن وی از زیر آن نمایان نباشد. (سنن أبی داود، ج 2)

اسماء دختر ابوبکر و خواهر عایشه به خانه پیغمبر اکرم (ص) آمد در حالی که جامه‌های نازک و بدن نما پوشیده بود. رسول اکرم (ص) روی خویش را از وی برگرداند و فرمود: ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر از مچ دست به پایین و صورتش (الدر المنثور ج 5)

رسول خدا (ص) وضعیت دوران ما را از قبل پیش بینی می‌کنند: در آخر امت من، مرد نماهایی هستند که سوار بر وسایل نقلیه خود، بر در مساجد پیاده می‌شوند. زنان اینان، پوشیده‌هایی برهنه‌اند که موهایشان برآمده است. این‌ها زنان نفرین شده‌اند. (المحاسن، ج 1)

رسول خدا (ص) می‌فرماید: برای زن جایز نیست مچ پایش را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شد اول اینکه: خداوند سبحان همیشه او را لعنت می‌کند. دوم اینکه: دچار خشم

و غضب خداوند بزرگ می شود. سوم اینکه: فرشتگان الهی هم او را لعنت می کنند. چهارم: عذاب دردناکی برای او در روز قیامت آماده شده است. هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی کند و همچنین موی سر و میچ پای خود را نمایان نمی سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین کرده است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: 1- زر و زیور خود را در منظر و دیدگاه غیر شوهر مگذار و در غیاب شوهر خود را خوشبو مکن و میچ پا را نشان مده اگر چنین کنید دینتان را تباه و خدا را به خشم آورده اید.

پیامبر اکرم (ص) زنان را از پوشیدن لباس های توجه برانگیز بر حذر می داشتند.

رسول حق (ص) به حولا فرمود: روسری خود را که جلب نظر می کند نشان مده اگر چنین کنی دینتان را تباه و خدا را به خشم آورده ای.

عایشه می گوید: دختر عبدالله بن طفیل که برادر مادری من بود در حالی که زینت کرده بود به خانه ام آمد. در همان هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز وارد شد و هنگامی که او را دید از او روی برگرداند. عایشه گفت یا رسول الله این دختر، بردار زاده من و خردسال است! پس پیامبر فرمود: هنگامی که زن به دوران عادت ماهانه رسید بر او جایز نیست که جز روی خود موضع دیگری را نمایان کند. (جامع البیان، ج 9)

دعای پیامبر نور و رحمت (ص): پروردگارا، زنانی که خود را پوشیده نگه می دارند، مشمول رحمت و غفران خود بگردان. (مستدرک الوسائل، ج 3، ص 244)

پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: آن هنگام که پوشش، سر زنی باشد، ارزش آن از دنیا و آنچه در آن است، بیشتر است. (نورالشافی فی الفقه الشافعی)

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: زنان خود را با پوشش اندام و جسم، از دیدار نامحرمان باز دارید، که زنان هر چه پوشیده‌تر باشند، سعادت‌مندتر هستند. (سفینه البحار، ج 2، ص 298)

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: برای زن، سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه‌اش، لباسش را جمع و فشرده کند. (محمد محمدی اشتهاردی، پوشش زن در اسلام، ص 19)

رسول خدا (ص) فرموده‌اند: هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد، زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی‌کند و همچنین موی سر و میچ خود را نمایان نمی‌سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد، دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین کرده است؛ و همچنین زر و زیور خود را در منظر و دیدگاه غیر شوهر نمی‌گذارد و در غیاب شوهر، خود را خوشبو نمی‌کند که اگر چنین کند، دینش را تباه و خدا را به خشم آورده است. برای زن، جایز نیست میچ پا را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شد، اول اینکه: خداوند سبحان همیشه او را لعنت می‌کند. دوم اینکه: دچار خشم و غضب خداوند بزرگ می‌شود. سوم اینکه: فرشتگان الهی هم او را لعنت می‌کنند. چهارم: عذاب دردناکی برای او در روز قیامت آماده شده است. (مستدرک حاکم، ج 2، ص 549)

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: بهترین زنان شما، زنی است که برای شوهرش، آرایش و خودنمایی کند، اما خود را از نامحرمان پوشاند. (بحارالانوار، ج 103، ص 235)

رسول خدا (ص) فرموده‌اند: بین مردان و زنان نامحرم، جدایی ایجاد کنید (تا با هم برخورد و تماس نداشته باشند) زیرا هنگامی که آنان رو در روی یکدیگر قرار گرفتند و با هم رفت و آمد داشتند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت. (بهشت جوانان صفحه 468)

همچنین امام صادق (علیه السلام) از امام باقر نقل فرموده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به هنگام رفتن به سوی عرفات اسامه را سوار کرده بود و همین که از عرفات افاضه کرد، فضل بن عباس را که جوانی خوش سیما بود در پشت سر خود سوار کرد.

در آن هنگام مرد عربی که همراه خواهرش بود و او نیز زیباروی بود، با پیامبر (صلی الله علیه و آله) روبرو گردیده و از پیامبر (صلی الله علیه و آله) سؤالاتی کرد و فضل بن عباس به خواهر او چشم دوخته بود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) چون چنین دید دست خود را روی چشم فضل گذارده بود تا چشمش را از نگاه به نامحرم بپوشاند، اما او از سوی دیگر به آن زن نگاه می کرد. تا اینکه آن مرد عرب پاسخ سؤالات خود را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دریافت کرد و به راه خود ادامه داد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) نگاهی به فضل کرد و در حالیکه شانه اش را گرفته بود فرمود: آیا نمی دانی که این روزها از ایام المعدودات و ایام المعلومات است، که هر کس در مثل چنین روزهایی چشم و زبان و دستش را نگه دارد خداوند برای او مثل ثواب حج آینده می نویسد.⁴

حضرت محمد (ص) فرموده اند: هر خانمی که خود را معطر و خوشبو کند (عطر بزند) و سپس از خانه خارج شود، همواره مورد لعنت خدا و ملائکه فرار خواهد گرفت، تا وقتی که به خانه برگردد، هرچند برگشتنش به خانه طول بکشد. (فروع کافی جلد 5 صفحه 163، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه 559)

رسول خدا (ص) فرموده اند: زن در نزد نامحرم، باید چهار لباس داشته باشد: 1- چادر 2- مقنعه 3- پیراهن 4- شلوار. (تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 624)

حضرت محمد (ص) فرموده اند: کسی که با زن نامحرمی دست بدهد، در روز قیامت در حالی می آید که دست هایش به گردنش بسته شده است. آن گاه دستور می رسد او را به جهنم ببرید. (در صورتی که توبه نکرده باشد) (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه 607)

بحار الانوار، ج 99، ص 351.⁴

حضرت محمد (ص) فرموده‌اند: کسی که با زن نامحرمی شوخی کند، در مقابل هر کلمه‌ای که در دنیا به او گفته است، هزار سال حبس می‌شود. (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه 607)

حضرت رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: یکی از گروهی که وارد جهنم می‌شوند، زنان بدحجابی هستند که برای فتنه و فریب مردان، خود را آرایش و زینت می‌کنند. (کنز العمال، ج 16، ص 383)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز می‌فرماید:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبْتَ فِي مَوْضِعٍ يَسْمَعُ نَفْسَ امْرَأَةٍ لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ^۵
هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، شب را در جایی به صبح نمی‌رساند که صدای تنفس زن نامحرم به گوشش برسد.

«رسول خدا (ص): کسیکه با زن شوهردار زنا کند، در قیامت از عورت هردو، چرکی به مسیر پانصد سال خارج می‌شود که تمام اهل جهنم از بوی بد آن اذیت می‌شوند و عذابشان از همه بیشتر است.»^۶

«رسول خدا (ص): کسیکه با زنی نامحرم، از دبر نزدیکی نماید یا با مردی یا نوجوانی لواط کند، روز قیامت، بدبوتر از مردار، محشور می‌شود، و اهل محشر از بوی او ناراحتند و از او معذرتی قبول نمی‌گردد، سپس به جهنم می‌رود و همه اعمالش باطل می‌شود. در جهنم او را در تابوتی که میخ‌های آن از آهن است، گذاشته می‌شود و بر تابوت فرو می‌کنند، تا میخها در بدنش فرو می‌رود و اگر عرق او را بر چهارصد امت قرار دهند، همه می‌میرند و او از کسانی است که عذابش از همه بیشتر است!

کسیکه با زن نامحرمی دست بدهد، با غُل و زنجیر محشور شده و به جهنم برده می‌شود!

کسیکه با زن نامحرمی، شوخی کند، با هر کلمه‌ای که با او سخن

بگوید، هزار سال زندانی می‌شود و زن اگر راضی باشد و مرد را وادار به

^۵ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۸۵.

^۶ بحار ج ۷۶ ص ۳۶۶

بوسیدن یا مباشرت حرام یا شوخی با او کند، و مرد به این سبب، دچار

فحشاء شود، همین عذاب برای زن هم می باشد!

کسیکه چشمش را خیره بر زن نامحرم نماید، در قیامت در حالیکه میخهای آتشین بر چشمش فرو شده، محشور می شود و تا پایان حساب، به همین حالت تابه دوزخ برده شود!^۷

بازدید از جهنم در سفر معراج!

«رسول خدا(ص): در معراج از جهنم دیدار کردم و گروهی از زنان را دیدم که به پستانشان آویزان کرده بودند! جبرئیل گفت: اینها زناکار بوده اند. عده ای را دیدم که با نخ و سوزن آتشین، بدنهایشان را می دوختند! جبرئیل گفت: اینها نیز زناکار بوده اند... زنی را دیدم که بموی سرش آویزان کرده بودند! و مغز سرش را می جوید! جبرئیل گفت: این زن موی خود را از نامحرم نمی پوشانده است!... زنی را به پاهایش آویخته بودند! جبرئیل گفت: این زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می رفته است. زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد! جبرئیل گفت: این زن بدن خود را برای دیگران آرایش می کرده است! زنی را دیدم که پاهایش را بدستهایش بسته بودند و مار و عقرب بر او مسلط بودند! جبرئیل گفت: این زن غسلهای خود را نمی کرده است! زنی را دیدم که گوشت بدنش را مقراض می کردند! جبرئیل گفت: این زن خود را به مردان عرضه می کرده است! شخصی را دیدم که صورت و بدنش را می سوزانیدند و روده های خود را می خورد! جبرئیل گفت: این شخص واسطه زنا بوده است!...»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردان می فرماید

إِيَّاكُمْ وَمُحَادَثَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بِأَمْرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا مَحْرَمٌ إِلَّا هَمَّ بِهَا^۸
از گفت و گو و خندیدن با زنان پرهیزید که هرگاه مردی بیگانه با

^۷بحارج ۷

^۸نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، ص ۲۰۲.

زنی خلوت کند، قصد [سوء استفاده از] او را می کند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سخن دیگری به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

: يا عليُّ مَنْ اطَاعَ امْرَأَتَهُ اَكْبَهُ اللهُ عَلَيَّ وَجْهَهُ فِي النَّارِ. فقال علي (عليه السلام)

.وَمَا تِلْكَ الطَّاعَةُ؟ قال: يَأْذَنُ لَهُ فِي الدَّهَابِ إِلَى الْحَمَّامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالنَّائِحَاتِ وَتُبَسُّ ثِيَابِ الرَّفَاقِ⁹

ای علی! هر مردی از زنش اطاعت کند، خداوند او را به صورت، به دوزخ می اندازد. امام علی (علیه السلام) عرض کرد: «در چه چیزی از زنش اطاعت کند؟» فرمود: «به او اجازه دهد به جاهای نامناسب [که سبب کم رنگ شدن حجاب او می شود،] مانند حمام های بیرون از خانه و مجالس عروسی و . «سوگواری برود یا اجازه دهد [در حضور نامحرمان] لباس های نازک و بدن نما بپوشد

ام رعله، زنی سخنور و خوش صحبت بود. روزی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسید و عرض کرد: «یا رسول الله! ما زنان چه کاری انجام دهیم که به خدا نزدیک شویم؟» حضرت فرمود: «هر روز و هر شب، خدا را به یاد داشته باشید و از نامحرم دوری کنید و صدایتان را از حد»! معمول بلندتر نبرید

ام رعله به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: «ای رسول خدا! من آرایشگر زنان هستم و آنها را برای شوهرانشان آرایش می کنم». پیامبر فرمود: «بر هر زنی لازم است خود را برای شوهرش بیاراید و زینت کند. چنین کاری را ادامه بده که بر اثر آراستگی زن شوهردار، مردان به همسران خود دل¹⁰ خوش می کنند و فساد و خرابی در جامعه رواج پیدا نمی کند

ابن عباس می گوید: پس از نزول آیه ۵۳ احزاب که به مردان دستور می داد با زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پشت پرده صحبت کنید، علی (علیه السلام) برای دیدار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به منزل ام سلمه رفت و در زد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) کوبنده در را شناخت، ولی ام برو و در را برای او باز کن. ام «سلمه او را نشناخت. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به همسرش فرمود سلمه پرسید: «مگر چه کسی پشت در است که من باید در را برای او باز کنم؟! مگر دیروز آیه نازل

⁹ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹.

نشد که با زنان پیامبر از پشت پرده صحبت کنید؟! آیا من باید با محاسن و زیبایی هایم جلوی او ظاهر شوم؟! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از این سخن ام سلمه ناراحت شد و فرمود: «هر کس دستور پیامبر را اطاعت کند، دستور خدا را اطاعت کرده است. بلند شو و در را باز کن. همانا پشت در، مردی است که نه نادان است و نه سبک مغز و نه عجول؛ خدا و پیامبر را دوست دارد و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند. هرگز وارد خانه نمی شود، مگر آنکه زن خانه چنان از او دور شود که صدای پایش شنیده نشود». ام سلمه به طرف در رفت، درحالی که نمی دانست چه کسی پشت در است و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درباره کوبند در تکرار می کرد. وقتی در را گشود، امام علی (علیه السلام) آن قدر جلوی در ایستاد تا ام سلمه از کنار در دور و وارد اتاقش شد. سپس امام وارد شد و به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سلام کرد.

آن گاه ام سلمه او را شناخت.^{۱۱}

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عادت داشت به زنان سلام کند و آنان نیز پاسخ سلام او را می دادند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زنان سلام می کرد. ولی دوست نداشت به زنان جوان سلام کند و می فرمود: «می ترسم از صدای جواب سلام آنان خوشم بیاید و در این صورت، زانی که بر من وارد می شود، بیش از ثوابی «باشد که از سلام کردن به آنان می طلبم».^{۱۲}

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «من و عده ای از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد ایشان بودیم که آن حضرت پرسید: «بهترین ویژگی زنان چیست؟» هیچ یک از ما نتوانستیم پاسخ دهیم تا اینکه جلسه به پایان رسید و از یکدیگر جدا شدیم. من به سوی فاطمه رفتم و او را از آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ما پرسیده بود، آگاه کردم و گفتم: کسی از ما نتوانست به آن پاسخ دهد. فاطمه (علیها السلام) فرمود: «ولی من پاسخ آن را می دانم. بهترین ویژگی زنان این است که به

^{۱۱} تفسیر البرهان، سیدهاشم بحرانی، ج ۶، ص ۲۹۹.

^{۱۲} کافی، ج ۲، ص ۶۴۸.

. «مردها نگاه نکنند و مردها نیز آنان را نبینند

نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتم و عرض کردم: ای رسول خدا! شما پرسیدی چه چیز برای زنان بهتر است. من اکنون پاسخ آن را می گویم و همان

پاسخی را که فاطمه (علیها السلام) داده بود، بازگو کردم. آن حضرت فرمود: «تو وقتی نزد من بودی پاسخ این پرسش را نمی دانستی. چه کسی این پاسخ را به تو آموخت؟» عرض کردم: فاطمه. پیامبر (صلی الله علیه و آله) شگفت زده شد و فرمود: «به راستی که فاطمه پاره تن من است»^{۱۳}

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: من و فاطمه (علیها السلام) محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدیم، درحالی که حضرت به شدت می گریست. گفتم: «پدر و مادرم فدای شما، ای رسول خدا! چه چیزی شما را گریانده است؟» پیامبر فرمود: «ای علی! در شبی که به سفر آسمانی معراج رفتم، زنانی از امت خود را دیدم که در عذاب سختی بودند. پس برای شدت عذابی که [زنان امت] در آن گرفتار بودند، گریستم. آنجا زنی را دیدم که با موهایش در دوزخ آویزان شده بود، درحالی که . . مغز سرش می جوشید. . . و زنی را دیدم که گوشت خود را با قیچی هایی از آتش قطعه قطعه می کرد . . .»

فاطمه (علیها السلام) گفت: «ای حبیب من و ای نور چشمم! به من بگو عمل و رفتار آن زن ها چه بوده که خداوند این عذاب را بر آنها قرار داده است؟»

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای دخترم! آن زنی که با موهایش آویزان شده بود، زنی بود که موی سرش را از مردان نامحرم نمی پوشاند. . . و آن زنی که گوشت خود را با قیچی ها پاره پاره می کرد، زنی بود که خود را در معرض مردان نامحرم قرار داده بود.»^{۱۴}

^{۱۳} کشف الغمه، عیسی اربلی، ج ۲، ص ۹۴.

^{۱۴} بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تذکر به عفاف

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به «حولاء»، همسر «عطاره» فرمود: «ای حولاء! زینت و زیبایی خود را برای غیر شوهرت آشکار نکن. برای زن جایز نیست میچ و پایش را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شود [و به طور کامل بدنش را نپوشاند]، خداوند سبحان همیشه او را لعنت می کند؛ به خشم و غضب خداوند بزرگ گرفتار می شود؛ فرشتگان الهی او را لعنت می کنند و به . «عذاب دردناکی در روز قیامت دچار می شود

آن گاه حضرت افزود: «ای حولاء! هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد، زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی کند و همچنین موی سر و بدن خود را نمایان نمی سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد، دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین کرده است^{۱۵}

امام رضا (علیه السلام) در این باره فرمود: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هفت نفر را لعنت کرد که «یکی از آنها مردی است که به پوشش و حیای همسرش بی توجه است.^{۱۶}

در زمان رسول خدا (ص) رویه پیامبر اسلام (ص) این بود که هر گاه می خواستند عازم جهاد شوند میان هر دو نفر از یاران خود پیمان اخوت و برادری می بستند تا یکی به جهاد برود و دیگری در شهر بماند و کارهای لازم او را انجام دهد.

حضرت در جنگ تبوک میان سعید بن عبدالرحمن و ثعلبه بن انصاری پیمان برادری بست. سعید در ملازمت پیامبر (ص) به جهاد رفت. ثعلبه هم در مدینه مانده و عهده دار امورات خانواده او گردید. ثعلبه هر روز می آمد و ما یحتاج خانواده سعید را مهیا میکرد. در یکی از روزها زن سعید راجع به کار

¹⁵ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۹۱.

¹⁶ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۹۱.

لازم خانه طبق معمول از پس پرده با او حرف می زد و سوسه نفس هوس خفته ثعلبه را بیدار نمود و با خود گفت مدتی است که این زن از پس پرده با تو سخن می گوید آخر نظری بینداز و بین در پشت پرده چیست و گوینده این سخنان کیست . خیالات شیطانی و هوس های نفسانی چنان او را تحریک نمود که قادر بر حفظ خویشتن نبود. به همین جهت به خود جرئت داده و پرده را کنار زد دید زنی است زیبا که حجب و حیا رخسار او را احاطه کرده است. ثعلبه با همین یک نگاه چنان دل از دست داد وی بی قرار شد که قدم پیش نهاد و به زن نزدیک شد . آنگاه دست دراز کرد که با وی در آویزد. ولی همان لحظه حساس و خطر ناک زن فریاد زد و گفت ای ثعلبه آیا سزاوار است که پرده ناموس برادر مجاهد خود را بدری . آیا رواست که او در راه خدا پیکار کند و تو در خانه وی نسبت به همسرش قصد سوء کنی .

این کلام مانند صاعقه ای بر مغز ثعلبه فرود آمد نعره زد و از خانه بیرون رفت و سربکوه و صحرا نهاد. در پای کوهی شب و روز با پریشانی و بیقراری و گریه و زاری سر آورد و پیوسته می گفت: خدایا تو معروف به آمرزش و من موصوف به گناهم.

مدت ها گذشت و او همچنان در بیابان ناله و بی قراری می نمود و عذر تقصیر به پیشگاه خدا می برد و طلب عفو و آمرزش می کرد تا اینکه پیغمبر اکرم(ص) از سفر جهاد مراجعت فرمود وقتی سعید به خانه آمد قبل از هر چیز احوال ثعلبه را پرسید همسر وی ماجرا را برای او شرح داد و گفت هم اکنون در کوه و بیابان با غم و اندوه و ندامت دست به گریبان است. سعید با شنیدن این سخن از خانه بیرون آمد و برای جستجوی ثعلبه به هر طرف روی آورد. سرانجام او را یافت که در پشت سنگی نشسته و دست بسر گرفته و با صدایی بلند میگوید:

ای وای بر پریشانی و پشیمانی. وای بر شرمساری وای بر رسوائی روز قیامت. پس سعید نزدیک آمده او را در کنار گرفت و دلداری داد و گفت ای برادر برخیز و با هم نزد پیامبر رحمت برویم این

درد را دوائی این رنج را شفائی باید. ثعلبه گفت اگر لازم است حتما به حضور پیغمبر شرفیاب شوم باید دست ها و گردن مرا با بند بسته و مانند بردگان گریز پای به خدمت پیغمبر ببری .

وقتی که با همان وضع آمد درب خانه پیغمبر(ص) ایستاد و با صدای بلند گفت المذنب یعنی گناهکار. حضرت اجازه دادند وارد شود و پس از ورود پرسید ای ثعلبه این چه وضعی است. ثعلبه خلاصه ماجرا را عرض کرد. حضرت فرمود: گناهی بزرگ و خطایی عظیم از تو سرزده ، از اینجا برو و با خدا راز و نیاز کن تا چه خدا فرماید.

ثعلبه از خانه پیغمبر(ص) بیرون آمد و روی به صحرا نهاد دخترش جلو آمد و گفت ای پدر دلم سخت به حالت می سوزد می خواهم هر جا می روی همراهت باشم ولی چون پیغمبر(ص) تو را از نزد خود رانده است منهم دیگر بتو نمی پیوندم. ثعلبه چند روزی بدین حال در سوز و گداز بسر برد و شبی چند را بگریه وی نیاز پایان آورد. سرانجام هنگام نماز عصر پیک حق آمد و این آیه را بر حضرت حتمی مرتبت خواند:

((والذین اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم ذکر والله فاستغفروا الذنوبهم و من یغفر الذنوب الا الله و لم یصرو علی ما فعلو و هم یعلمون))

پرهیز کاران کسانی هستند که هر گاه کار ناشایستی از آنها سر زد خدا را بیاد آورند و اگناه خود توبه کنند و کیست جز خداوند که گناهان را بیامرزد و آنها کسانی هستند که بر کارهای زشت اصرار نورزند زیرا بزشتی گناهان آگاهند.

پس پیامبر(ص) ، علی (ع) و سلمان را بطلب ثعلبه فرستادند و در میان راه شبانی به آنها رسید حضرت سراغ ثعلبه را از او گرفت چوپان گفت شبها شخصی اینجا می آید و در زیر این درخت می نالد. پس حضرت با سلمان صبر کردند تا شب شد ثعلبه آمد و در زیر آن درخت دست نیاز بسوی

خالق بی نیاز دراز کرد و عرض کرد خداوندا از همه جا محرومم اگر تو نیز مرا بانی بکه روی اورم و چاره کار را از کجا بخواهم.

در این هنگام مولای متقیان گریست آنگاه نزدیک آمده و فرمود ای ثعلبه مژده باد که خدا تو را آمرزید و اکنون پیغمبر (ص) تو را می خواند آنگاه آیه شریفه یاد شده را که راجع به توبه او نازل شده بود قرائت فرمودند.

ثعلبه برخاست و همراه حضرت به مدینه آمده و یکر است وارد مسجد پیغمبر (ص) شدند حضرت مشغول نماز عشاء بود حضرت امیر و سلمان و ثعلبه نیز اقتدا کردند. بعد از حمد پیغمبر (ص) شروع به خواند یکاثر نمودند همینکه آیه اول را تلاوت فرمود:

((الهاکم التکاثر))

یعنی مشغول داشته شما را ثروت اندوزی .

ثعلبه نعره ای زد و چون آیه دوم را قرائت فرمود:

((حتی زرتم المقابر))

تا زمانیکه شما قبرها را زیارت کنید.

بیشتر ناله کرد.

و چون آیه سوم را شنید:

((کلا سوف تعلمون))

یعنی آن چنین است که بزودی خواهید داشت .

نعره ای کشیده و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که زمینه انجام عمل حرام با نامحرمی را پیدا کند اما از ترس خدا او را ترک کند، خداوند سبحان آتش را بر او حرام می کند و او را از قیامت ایمن کرده وارد بهشت می نماید و اگر حرام مرتکب شود خدا بهشت را برای او حرام کرده و او را وارد جهنم می نماید.

و در جای دیگر حضرت فرمود: بیشترین چیزی که باعث جهنمی شدن امت من می گردد دو چیز است شکم پرستی و شهوترانی.^{۱۷}

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چهار چیز است که وارد خانه ای نمی شود الا این که آن خانه را خراب کرده و عمر را بی برکت می کند. خیانت، شراب خواری، زنا و دزدی.^{۱۸}

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر روزی که خورشید سر از دریچه مشرق برآورد و هر شبی که آفتاب چهره پیرده مغرب فرو کشد دو فرشته به امر خدای تعالی چهار جمله را میان خود رد و بدل می نمایند یکی می گوید: ای کاش این مردم آفریده نشده بودند. دیگری می گوید: اکنون که آفریده شده اند ای کاش می دانستند برای چه آفریده شده اند. دیگری می گوید: اکنون که نمی دانند برای چه منظوری آفریده شده اند ای کاش بدانچه عالمند عمل کنند. آن دیگر می گوید: اینک که بدانچه می دانند عمل نمی کنند ای کاش از گذشته خود توبه کنند.^{۱۹}

^{۱۷} الکافی ۲/ ۷۹

^{۱۸} ثواب الاعمال / ۲۴۲

^{۱۹} میزان الحکمه

«رسول خدا(ص): بوی بهشت از مسیر پانصدسال به مشام می رسد ولی عاق والدین و دیوث این بورا احساس نمی کنند! سؤال شد: یا رسول الله! شخص دیوث کیست؟ فرمود: کسیکه می بیند زنا می کند ولی بی تفاوت است!»⁵¹

«رسول خدا(ص): پدرم ابراهیم(ع) غیور بود و من از او غیورترم. و خدا بینی بی غیرت را بر خاک²⁰ می مالد!»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر مردی که زنا زینت کرده بیرون رود، دیوث است! همچنین اگر زن با زینت و عطر زده بیرون برود و شوهرش راضی باشد، هر قدمی که زن برمی دارد، برای شوهرش یک خانه در جهنم ساخته می شود.»²¹

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ مردی با زن نامحرمی تنها نمی شود جز آن

که سومی آنها شیطان است.²²

روزی جوانی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و با کمال گستاخی گفت: ای پیامبر خدا آیا به من اجازه می دهی زنا کنم؟ با گفتن این سخن فریاد مردم بلند شد و از گوشه کنار به او اعتراض کردند، ولی پیامبر با کمال ملایمت و اخلاق نیک به جوان فرمود: نزدیک بیا، جوان نزدیک آمد و در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشست.

²⁰ بحار الانوار

²¹ بحار الانوار، ج 103، ص 249.

²² مستدرک الوسائل 266/14

پیامبر از او پرسید: آیا دوست داری کسی با مادر تو چنین کند؟ گفت: نه فدایت شوم. فرمود: ﴿٢٢﴾
همینطور مردم راضی نیستند با مادرشان چنین شود

بگو بینم آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟ گفت: نه فدایت شوم. فرمود: همینطور مردم ﴿٢٣﴾
درباره دخترانشان راضی نیستند

بگو بینم آیا برای خواهرت می پسندی؟ جوان مجدداً انکار کرد (و از سوال خود پشیمان شد). ﴿٢٤﴾
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست بر سینه او گذاشت و در حق او دعا کرد و فرمود: (خدایا قلب
او را پاک گردان و گناه او را ببخش و دامن او را از آلودگی بی عفتی حفظ کن) از آن به بعد،
زشت ترین کار در نزد این جوان، زنا بود...

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هیچ وسیله برای پاکی به اندازه پاک بودن چشم و بستن آن بر روی حرام نیست . که هر که چشم
خود را بر حرام بست، خدا به دلش توفیق مشاهده عظمت الهی را می دهد»^{۲۳}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«سخت است غضب خدا بر زن شوهرداری که چشمش را از حرام پر کند»^{۲۴}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که به عورت دیگری نگاه کند، ملعون است.»^{۲۵}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر از آسمان بیافتم و دو نیم شوم برایم بهتر است که به عورت کسی نگاه کنم و یا کسی به عورت من نگاه نماید»^{۲۶}

²⁴ - بحار الانوار 366/73

²⁵ بحار الانوار 68/74

²⁶ بحار الانوار 68/74